

## زمینه های پرورش نسل منتقد و قانونگرا/ سیستم آموزش و پرورش ما از فقدان آزادی رنج می برد

یک مدرس فلسفه تعلیم و تربیت درباره توصیه های رئیس جمهوری درباره ضرورت پرورش نسلی منتقد و قانون پذیر در مدارس، سیاستگذاری ها ...



یک مدرس فلسفه تعلیم و تربیت درباره توصیه های رئیس جمهوری درباره ضرورت پرورش نسلی منتقد و قانون پذیر در مدارس، سیاستگذاری ها در آموزش و پرورش را مانع اصلی این هدف برشمرد و گفت: با سیستم آموزش و پرورش مواجه هستیم که جسارت ندارد حتی به مربیان تربیتی و افرادی که دانش آموخته علوم تربیتی هستند اجازه دهد که آزادانه روشهای آموزشی خود را در مدارس خود پیاده کنند تا مردم بتوانند انتخاب کنند چه روشی برای آموزش و تربیت بچه هایشان بهتر است. یکی از موضوعاتی که حجت الاسلام دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری کشورمان در سخنرانی مراسم آغاز سال تحصیلی اشاره کرد، بحث ضرورت روحیه انتقادی و قانونمندی در جامعه است که رعایت این دو مسئله در روابط اجتماعی افراد ریشه در تربیت دوران کودکی و به ویژه دوران تحصیل دارد چراکه مدرسه اولین مجموعه ای است که کودک پس از خانواده در آن با افراد مختلف و به تبع آن افکار و مسائل گوناگون آشنا می شود.

دکتر روحانی طی سخنانی در عین تأکید بر ضرورت آشنایی با قانون و قانونمداری از مدرسه آغاز شود، اعتراض را حق دانش آموزان خواند و گفت: معتقدم حق اعتراض آغاز شکوفایی کرامت یک انسان است که باید از مدرسه آغاز شود و این می تواند جامعه را به سمت قانونمداری سوق دهد. سعادت و پیروزی یک ملت قانونمداری است و استبداد و ظلم زمانی در کشور حاکم می شود که ملت قانون گریز شوند. درخواست من از فرهنگیان این است که در محیط مدرسه به دانش آموزان کمک کنند تا بهتر و راحت تر با زندگی اجتماعی، قانون و حق و حقوق خود آشنا شوند.

در نظام آموزش و پرورش درکی از ضرورت پرورش روحیه انتقادی وجود ندارد

دکتر بحیبی قائدی مدیرگروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد چگونگی پرورش نسلی انتقاد پذیر و انتقاد کننده گفت: بحث پرورش روحیه انتقادی در کودکان بحث جدیدی نیست و مدتهای مدیدی است که در دنیا و حتی کشورمان از آن سخن گفته می شود. اما باید ببینیم در مقام عمل در کجا قرار داریم چراکه مشکل ما در آموزش و پرورش این نیست که ما نمی دانیم که این مباحث خوب است و یا دانش و روشهایش نداریم، خیر؛ بلکه در مقام عمل با آموزش و پرورش مشکل داریم که بخشی از این مشکل البته اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و بخشی از آن به بدنه آموزش و پرورش و سیاست گذاری های آن برمی گردد.

وی تأکید کرد: مهمترین نکته سیاستگذاری در آموزش و پرورش است، یعنی از وزیر گرفته تا معاونان و مدیران باید به این مسئله باور داشته باشند چراکه ما در دولتهای مختلف چه اصلاحات و چه در دولت نهم و دهم برنامه های خود را در حوزه ارتقاء تفکر انتقادی معرفی کردیم و حتی با وزرا گفتگوهای داشتیم. مثلاً تازه ترین و کاملترین برنامه ای که مدعی است تفکر انتقادی را رشد می دهد همین برنامه آموزش فلسفه برای کودکان است اما در بدنه آموزش و پرورش و سیاستهای آن اعتقاد و اهتمام جدی به این قضیه وجود نداشت.

این مدرس فلسفه برای کودکان افزود: یعنی ممکن بود گوش بدهند و بشنوند و چند کار جزئی هم انجام دهند اما عملاً این برنامه هیچگاه نتوانست وارد آموزش و پرورش شود. بنابراین در یک سطح، سیاستگذاری و در سطح دیگر وزیر و معاونان و مدیران کل آموزش و پرورش است و اول باید اینها تن در بدهند تا آموزش انتقادی ببینند. یعنی اگر یک مدیر کلی در یک استانی درکی از پرورش تفکر انتقادی نداشته باشد قاعدتاً آن برنامه در آن استان با شکست مواجه می شود یا در سطح وزارتخانه هم ممکن است چنین وضعی داشته باشیم.

درس #171؛ تفکر و پژوهش؛ به دلیل رویکرد آموزش و پرورش با شکست مواجه شد

دکتر قائدی تأکید کرد: وقتی اینها به ضرورت این مسئله باور پیدا کنند آنگاه نوبت معلمان می رسد. اما با سیستم فعلی که ما داریم نه برنامه های درسی اجازه چنین کاری را می دهند و نه معلمان آماده چنین کاری هستند و نه کتب درسی ما به این فرم نوشته شده است. لذا وقتی وضعیت اینگونه است مشعشع ترین برنامه که در این سیستم می رود، با شکست مواجه می شود که نمونه آن کتاب #171؛ تفکر و پژوهش؛ پایه ششم هست که می خواهند برای پایه هفتم هم بنویسند و ما خیلی تلاش کردیم این برنامه آنطور که باید و شاید باشد اما متأسفانه عملاً این برنامه دچار مشکل همان کتب درسی مرسوم شد و با اندک آموزشی که به

معلمانی داده شد که خیلی به این برنامه باور نداشتند - یعنی سیستم به آنها القاء و دیکته کرد که به این قضیه باور نداشته باشند- و بعد افرادی که در این زمینه تلاش می کردند از جمله من و همکارانم نهایتا از این برنامه کنار گذاشته شدند چون نمی خواستند حرفهایی که ما می گوئیم عملی کنند نهایتا یک چیز مثله شده و بی خاصیتی را به مدارس تحمیل کردند که هیچ فایده ای نداشت.

دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی افزود: معتقدم اگر ما معلمی داشته باشیم که خودش فلسفی شده باشد و اهل تفکر انتقادی باشد و سیستم از او حمایت کند در واقع هیچ کار دیگری نمی خواهد بکنیم. یعنی موفقیت نه در کلاسها و مدارس زیباست و نه در زرق و برقهاست بلکه موفقیت در معلمی است که منتقد و فلسفی شده باشد و بعد در این شرایط می توان در حوزه اجرا بحث پرورش روحیه انتقادی و قانونمداری را در کودکان دنبال کرد.

وی در مورد رابطه پرورش روحیه انتقادی با قانون‌گرایی در دانش آموزان گفت: بسیاری از چیزها انتظار می رود در مدرسه آموزش داده شود و حال آنکه مدارس ما عمدتا در اهدافی که در نظر گرفته بودند با شکست مواجه شدند. مثلا در کنار روحیه تحقیق و جستجوگری و علمی و انواع تفکرات، قانون‌گرایی هم یکی از آنهاست. وقتی معلمان و شاگردانمان درباره قانون تفکر نکرده باشند و قانون را به بحث و گفتگوی انتقادی نگذاشته باشند و خودشان در وضع قانونی حالا از سطح مدرسه تا بالا دخیل ندانند، بنابراین قانون را از خود نمی دانند و در بسیاری از موارد احساس می کنند که این قانون به آنها تحمیل شده است و قانونی است که برای عده خاصی وضع شده است و هیچگاه فضایی برای گفتگو برای اینکه چرا باید قانون را رعایت کرد وجود نداشته است. اگر می خواهیم ذهن جامعه به طور کلی و جامعه دانش آموزی را پرورش دهیم و نسبت به این حوزه حساس کنیم باید روشهای فکری را گسترش دهیم.

آموزش و پرورش قادر به جذب نیروهای قوی نیست

این مدرس و پژوهشگر تصریح کرد: یک بخش عمده برنامه آموزش فلسفه به کودکان به همین مسائل اجتماعی اختصاص دارد و یکی از آنها بحث قانون است. اینکه چرا ما باید قانون را رعایت کنیم و چرا نباید، کجا می توانیم افراد را خودمان مجازات کنیم و کجا نه، و... بحثهایی است که باید در سطح فضای فکری مدیران اتفاق بیفتد و بعد در سطح مدرسه بیاید. تصور کنید اگر دانش آموزانی داشته باشیم که نسبت به قانون حساس شده باشند حتی می توانند به معلمانشان در صورت عدم رعایت قانون اعتراض کنند.

قائدی با بیان اینکه هیچ تحولی در ایران اتفاق نمی افتد مگر از سوی آموزش و پرورش، افزود: ما در اول مهر شعارها و بیانیه هایی می دهیم و بعد فراموش می شود چون برای عملی ساختن یک شعار تبعات و تحولاتی را باید بپذیریم و تغییر در سیستم گزینش معلمان در حوزه صلاحیتهای علمی داشته باشیم وقتی آموزش و پرورش سیستمی شده است که ضعیفترین افراد را جذب می کند و توانایی جذب قوی ترین افراد را به دلایل مختلف نداد از جمله کاهش شأن معلمی در جامعه و مدرسه، یک معلم ضعیف نمی تواند شاگرد قوی تربیت کند یک خانواده ضعیف هم نمی تواند و یک مدیر ضعیف هم نمی تواند.

وی در پایان با تأکید بر اینکه سیستم آموزش و پرورش ما از عدم آزادی رنج می برد و در این رابطه یک تحول اساسی نیاز دارد؛ گفت: اگر فضای آموزش و پرورش فضای آزادی باشد که معلمان جرأت و جسارت صحبت و انتقاد داشته باشند؛ آنگاه می توان امیدوار بود. چون ما با سیستم آموزش و پرورش مواجه هستیم که جسارت ندارد حتی به مرییان تربیتی و افرادی که دانش آموخته علوم تربیتی هستند اجازه دهد که آزادانه روشهای آموزشی خود را در مدارس خود پیاده کنند. یک مدرسه مستقل با یک روش آموزشی متفاوت از آموزش و پرورش اجازه نفس و ایجاد ندارد در حالیکه ما باید اجازه دهیم که ایده های گوناگون پرورشی و تربیتی که صاحبان نظران داخلی مدعی آن هستند در معرض آزمایش و بروز قرار گیرند تا مردم بتوانند انتخاب کنند چه روشی برای آموزش و تربیت بچه هایشان بهتر است.